

## تحلیلی بر نتایج برخورد زبانی در شمال استان ایلام بر پایه گویش‌سنجی رایانشی و تحلیل انبوهه دادگان (مطالعه موردی زبان گونه «خزلی»)

یاسر سنائی<sup>۱</sup>، آرزو نجفیان<sup>۲\*</sup>

۱ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

### چکیده

گونه‌های زبانی رایج در نواحی شمالی استان ایلام از تکثر و تنوع چشم‌گیری برخوردارند، یکی از این گونه‌های زبانی «خزلی» است که در مقایسه با زبان گونه‌های مجاور خود از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است. پژوهش حاضر بر اساس تحلیل انبوهه دادگان، خصایص زبانی شاخص «خزلی» را از سایر گونه‌های زبانی رایج در حوزه پژوهش مشخص می‌سازد و بدنبال شواهدی زبانی دال بر گرایش این زبان‌گونه، به سمت منطقه/گروه گویشی خاصی است. روش پژوهش کمی و شیوه گردآوری داده‌ها میدانی است. جامعه آماری پژوهش، تمامی گویشوران ۱۶ دهستان شهرستان‌های ایلام، ایوان، چرداول و سیروان را در برمی‌گیرد. نمونه‌های گویشی از تمامی روستاهای بیش از ۱۰۰ خانوار حوزه پژوهش، از هر روستا یک نمونه گویشی (۳۶ نمونه از ۳۵ روستا)، جمع‌آوری شد. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه «طرح ملی اطلس زبانی ایران» است. با بهره‌گیری از بسته نرم‌افزاری گویش‌سنجی و نقشه‌نگاری RuG/ L04، پراکنش مناطق گویشی، توزیع تنوعات آوایی، واژگانی و نحوی حوزه پژوهش تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سه گروه گویشی عمده «لکی»، «لری» و «کردی جنوبی» و مجموعاً شش زیرگروه گویشی در شمال استان ایلام وجود دارد. در این بین، زبان گونه «خزلی» به عنوان نخستین زیرگروه گویشی منشعب از گروه گویشی کردی جنوبی، با فاصله زبانی معنادار از سایر زیرگروه‌های گویشی، قرار می‌گیرد. همچنین به استناد نمودار «مقیاس‌گذاری چندبعدی» (MDS)، این زبان گونه هرچند به لحاظ تحلیل انبوهه دادگان در مجموعه زبان گونه‌های کردی جنوبی جای می‌گیرد؛ اما فاصله اندک و شباهت زبانی آن با گروه گویشی «لکی» قابل توجه است. مقایسه معادلهای تلفظی اسامی، وند استمراری و ضمائر نشان داد که اگر چه مبنای شکل‌گیری «زبان گونه خزلی»، «لکی» است اما این انشعاب، خود ناشی از برخورد زبان گونه «لکی» با مجموعه گویش‌های رایج در غرب ایران از قبیل «کلهری» و «فیلی» است.

### واژه‌های کلیدی:

برخورد زبانی  
گویش خزلی  
زبان کردی  
ایلام  
گویش‌سنجی  
تحلیل انبوهه

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: [a.najafian@pnu.ac.ir](mailto:a.najafian@pnu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

گونه‌های زبانی رایج در نواحی شمال ایلام-به عنوان حوزه پژوهش-متعلق به خانواده زبان کردی هستند.<sup>۱</sup> گویش‌های متعدد کردی، خود به خانواده بزرگ زبان‌های ایرانی متعلق است که مجموعه زبانی یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند. تقسیمات متفاوت و متعددی از زبان کردی و شعبات زبانی آن ارائه شده‌اند. به نظر می‌رسد بخش‌بندی بلو<sup>۲</sup> (۱۳۹۳) از گویش‌ها و گونه‌های زبان کردی تاحدودی کلیت را آشکار سازد؛ وی می‌نویسد: «زبان کردی به سه گروه عمده شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود که هر کدام از گروه‌های عمده، گویش‌هایی را شامل می‌گردند. زیربخش گروه جنوبی شامل گویش‌های کرمانشاهی، سنجایی، کلهری، لکی، لری است» (بلو، ۱۳۹۳: ۴۳-۵۴۴). در پهنه جغرافیایی شمال استان ایلام، گونه‌های زبانی کلهری، لکی و لری رایج است و علاوه بر آن‌ها، گونه زبانی «فیلی»<sup>۳</sup> منتسب به والیان فیلی پشتکوه، نیز در محدوده استان ایلام تکلم می‌شود (پالیزبان، یوسفی‌راد، ۱۳۹۴) که بیش‌ترین جمعیت گویشی را نیز به خود اختصاص داده است. در این بین، از برخورد و نزدیکی گونه‌های زبانی با جمعیت زیاد، زبان‌گونه‌هایی<sup>۴</sup> نیز ایجاد شده‌اند.

در پژوهش حاضر، به صورتی روشمند و مبتنی بر تحلیل انبوهه<sup>۵</sup> دادگان، یکی از زبان‌گونه‌هایی که بر اساس نتایج دادگان، حاصل برخورد گونه‌های زبانی در منطقه است واکاوی می‌شود. این زبان گونه، در افواه عموم و نیز گویشوران بومی، با نام «خزلی»<sup>۶</sup> شهرت دارد. گونه زبانی «خزلی» در بخش وسیعی از شهرستان‌های سیروان و چرداول در استان ایلام تکلم می‌شود و در استان کرمانشاه و نیز آذربایجان غربی نیز گویشورانی دارد. زبان گونه «خزلی» از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آوایی، واژگانی و تا حدودی نحوی در مقایسه با زبان‌گونه‌های مجاور خود برخوردار است و در برخی ویژگی‌های آوایی و واژگانی، آشکارا به زبان گونه «لکی» و از برخی جهات دیگر به گونه‌های زبانی «کلهری» و «فیلی» شباهت دارد. وجود چنین گرایش‌هایی در حوزه‌های متنوع زبانی به زبان‌گونه‌های مجاور، دلایلی متقن برای ضرورت انجام پژوهش فراهم می‌آورد که چرایی و چگونگی تعامل و برهم‌کنش این زبان گونه با زبان‌گونه‌های مجاور واکاوی شود. پژوهش حاضر بر اساس روش‌های نوین

۱ ناگفته نماند که جزیره‌ی زبانی «عرب رودبار» در حوزه پژوهش موجود است؛ زبان اصلی این جزیره (شامل سه روستا) عربی است و از قاعده کلی فوق مستثنی است (ر.ک: سنائی، ۱۳۹۵).

<sup>۲</sup> J. Blau

<sup>۳</sup> Feyli/feili

<sup>۴</sup> در این پژوهش به تبعیت از چمبرز و ترادگیل (۲۰۰۴: ۵) و دبیر مقدم (۱۳۸۷: ۱۲۰)، اصطلاح گونه زبانی یا زبان گونه (variety) به عنوان اصطلاحی خنثی برای اشاره به هر نوع خاصی از زبان در نظر گرفته می‌شود که می‌توان با هر هدفی آن را به کار گرفت. در حقیقت هنگامی از این اصطلاح بهره می‌گیریم که نخواهیم از اصطلاحات رایج زبان، گویش یا لهجه استفاده کنیم. می‌توان از این اصطلاح به عنوان اطلاقی کلی بهره برد.

<sup>۵</sup> Aggregate Analysis

<sup>۶</sup> Khezeli

گوش‌سنجی، جنبه‌های مختلف برخورد زبانی مفروض را بررسی می‌کند و به تحلیل نتایج و ارائه مصادیق می‌پردازد.

این پژوهش بر آن است تا خصایص زبانی ویژه‌ای که زبان گونه «خزلی» را از سایر گونه‌های زبانی رایج در حوزه پژوهش تمایز می‌دهد، آشکار سازد و به طور خاص به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- شاخص‌ترین ویژگی‌ها و تنوعات آوایی، صرفی و نحوی عمده در زبان گونه خزلی کدامند؟
- ۲- با توجه به نتایج تحلیل انبوهه دادگان، در حال حاضر زبان گونه خزلی در کدام گروه/ منطقه گویشی شمال ایلام قرار می‌گیرد؟
- ۳- شواهدی زبانی دال بر گرایش زبان گونه خزلی به سمت منطقه/ گروه گویشی وجود دارد؟
- ۴- آیا می‌توان بر اساس تحلیل انبوهه دادگان زبانی، در منطقه زبانی شمال ایلام، برای زبان گونه خزلی منشأ و خاستگاهی یافت؟

## ۲. پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌هایی که به جنبه‌های مختلف زبان گونه‌های شمال استان ایلام از جمله «فیلی» «کردی ایلامی» و... پرداخته‌اند، صرف نظر می‌شود و صرفاً به مهم‌ترین پژوهش‌هایی اشاره می‌کنیم که در آن‌ها به زبان گونه «خزلی» اشاراتی داشته و یا جنبه‌هایی از ساخت زبانی آن را بررسی کرده‌اند. خوشبخت (۱۳۸۴) نظام آوایی زبان گونه خزلی را بررسی کرده است. سنائی (۱۳۹۵) ضمن بررسی همه‌جانبه تمایزات آوایی، صرفی و نحوی زبان گونه‌های شمال ایلام، در بخش‌هایی به موضوع روستاهای دوزبانه اشاره می‌کند و به استناد نتایج داده‌های زبانی، به طور کلی نشانه‌هایی از تفاوت و وجود فاصله زبانی زبان گونه «خزلی» با زبان گونه‌های مجاور ارائه می‌دهد. نجفیان و همکاران (۱۳۹۶) شاخصه‌های آوایی، صرفی و نحوی زبان گونه‌های شمال استان ایلام را به تصویر می‌کشند و به برخی از ویژگی‌های صرفی و آوایی «زبان گونه خزلی» اشاره می‌کنند. خزلی و آزادی (۱۳۹۶) صرفاً ساخت فعل در زبان گونه خزلی را مورد مذاقه قرار داده‌اند.

یکی از پژوهش‌هایی که ارتباط زیادی با پژوهش حاضر دارد را خزلی و آزادی (۱۳۹۷) به نگارش درآورده‌اند؛ آن‌ها پس از معرفی زبان کردی و گویش‌های آن، سه زبان گونه لکی، خزلی و کلهری را زیرگوش برشمرده‌اند و قواعد صرفی و نحوی این زبان گونه‌ها را توصیف کرده‌اند. آن‌ها (۱۳۹۷) به این نتیجه می‌رسند که سه «گوش» لکی، کلهری و خزلی در بسیاری از نکات دستوری با هم اشتراک دارند و تفاوت‌های موجود نیز بیش‌تر در صرف افعال، کاربرد ضمائر، قیده‌ها، حروف اضافه و پیشوندها و به تعبیر ساده‌تر، در ساختار واژگان و افعال به صورت جزئی و در کاربرد بعضی از حروف نمود می‌یابد و همین تفاوت‌ها که باعث ناهمانندی این گوش‌ها و استقلال آن‌ها از یکدیگر شده و نظام دستوری هر یک از آن‌ها را خاص کرده است. میرزابیگی و همکاران (۱۳۹۹)

مقوله‌های زمان، وجه و نمود را بررسی می‌کنند. میرزاییگی و همکاران (۱۴۰۰) نیز به طور خاص درهم‌تنیدگی و هم‌پوشانی ساختاری زمان، وجه و نمود در «گوش کردی خِزلی» را بررسی می‌کنند. زبان‌گونه خِزلی «تنوعی محلی» از زبان کردی معرفی شده که در ایلام رواج دارد (علی‌اکبری<sup>۱</sup> و فرجی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). پژوهشی حول گویش‌های استان ایلام تحت سرپرستی پروفسور آنونبی<sup>۳</sup> استاد دانشگاه کارلتون کانادا انجام و نتایج آن در سایت اطلس زبانی ایران<sup>۴</sup> منتشر شد که در آن برای اشاره به زبان‌گونه خِزلی، از دو اصطلاح «خِزلی کارزانی» به عنوان زیرمجموعه‌ای از «لکی» و «خِزلی سراپله‌ای (خِزلی آسمان‌آبادی)» به عنوان زیرمجموعه‌ای از «شیروانی-چرداولی» که آن هم نیز شاخه‌ای از «گروه ایلامی» است، استفاده شده است (علی‌اکبری و همکاران، ۲۰۱۴). جهانه‌فرد (۲۰۱۵) برای نخستین بار، گونه زبانی «خِزلی» را در کنار «سنجاوی» قرار می‌دهد و آن‌ها را نه در قرابت با «لکی» بلکه زیرمجموعه‌ای از کردی جنوبی معرفی می‌کند و علت را در نبودن حالت ارگتیو (کنایی) در زبان‌گونه‌های مزبور می‌داند.

همان‌گونه که در پیشینه و مروری بر ادبیات پژوهش آمد، تاکنون نظام آوایی، ساخت فعل، وجه، نمود و زمان افعال در زبان‌گونه «خِزلی» بررسی شده و به طور خاص در پژوهش‌های سنائی (۱۳۹۵: ۱۶۴-۱۷۰)، نجفیان و همکاران (۱۳۹۶) و خِزلی و آزادی (۱۳۹۷) به قلمرو اطلس گویشی گام نهاده و جزئیاتی از ویژگی‌های صرفی، آوایی و نحوی «خِزلی» با زبان‌گونه‌های مجاور ارائه شده است. پژوهش حاضر چند نوآوری را به مخاطب عرضه می‌کند: نخستین نوآوری پژوهش حاضر که آن را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند تبیین تفصیلی چرایی فاصله زبانی معنادار زبان‌گونه «خِزلی» از سایر زبان‌گونه‌ها و نیز چرایی شباهت‌های زبانی آن با زبان‌گونه «لکی» از یک سو و مجموعه زبان‌گونه‌های کردی جنوبی از سوی دیگر است. دومین نوآوری پژوهش، تحلیلی توصیفی از شاخصه‌های آوایی، صرفی و نحوی زبان‌گونه «خِزلی» با ارائه نمودارها و تصاویر مستخرج از نرم‌افزار گویشی است. سومین نوآوری همانا تحلیل داده‌ها برای پاسخ به پرسش (۳) و (۴) پژوهش است که در آن‌ها کوشیده می‌شود خاستگاهی برای زبان‌گونه «خِزلی» یافت شود؛ کاری که در هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین صورت نگرفته است. نوآوری چهارم تحلیل نتایج از منظر «برخورد زبانی» و مطرح کردن انشعاب زبانی در «زبان‌گونه خِزلی» است.

### ۳. مبانی نظری

<sup>1</sup> M. Aliakbari

<sup>2</sup> E. Faraji

<sup>3</sup> E. Anonby

<sup>4</sup> <http://iranatlas.net>

«برخورد» یا «تماس» زبانی<sup>۱</sup>، اصطلاحی در زبان‌شناسی اجتماعی است که برای اشاره به وضعیت پیوستار جغرافیایی و یا نزدیکی اجتماعی زبان‌ها/گویش‌ها استفاده می‌شود (کریستال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۱۰۷). حوزه مطالعاتی «برخورد زبان‌ها» در چند دهه اخیر زمینه‌های پژوهشی فراوانی را در رده‌شناسی، تاریخ زبان، گویش‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی، زبان آمیخته<sup>۳</sup> و زبان آمیخته مادری<sup>۴</sup> پدید آورده است. نتایج برخورد زبان‌ها که از ارتباطات غیرزبانی کوتاه‌مدت یا بلندمدت میان جوامع انسانی حاصل می‌شود، موقعیت‌ها و سطوحی از «زبان زبرین و زبان زیرین»<sup>۵</sup> و همچنین نتایجی از قبیل وام‌گیری زبانی، تداخل/همگرایی زبان‌های میانجی، زبان‌های آمیخته و دوزبان‌گونه‌گی را نمایان می‌سازد (مدرسی، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۸). به طور کلی، نتایج برخورد زبانی، با در نظر گرفتن «تأثیر متقابل» می‌تواند در وام‌واژگان، الگوهای واجی، تغییرات دستوری و اشکالی از آمیختگی زبانی (نظیر پیچین و کریول) نمایان شود (کریستال، ۲۰۰۸: ۱۰۷).

نخستین پژوهش‌های جدی و کلاسیک مرتبط با «برخورد زبان‌ها» را اوریل وینریک<sup>۶</sup> در ۱۹۵۳ م. منتشر کرد. دیدگاه‌های ون کاتسم<sup>۷</sup> (۲۰۰۰)، تامسون<sup>۸</sup> (۲۰۰۰)، مایرز-اسکاتن<sup>۹</sup> (۲۰۰۲) و همچنین شواهد تغییرات واژگانی حاصل از برخورد زبان‌ها که توسط کینگ<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۰) گردآوری شد، همگی منجر به توسعه زمینه‌های پژوهشی «تغییر» و «برخورد زبان‌ها» گردید. پژوهش‌های کاستوفسکی<sup>۱۱</sup> و متینگر<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۱)، بیکر<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۰) و هابر<sup>۱۴</sup> و داکو<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۴) با محتوای «برخورد زبان» در پیچین‌ها و کریول‌های منشعب از زبان انگلیسی و نیز مطالعات کامل‌تر وینفورد<sup>۱۶</sup> و میچ<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۴) و اسکور<sup>۱۸</sup> و شوگلر<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۴) و کلمنتس<sup>۲۰</sup> و گودن<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۹) در مبحث

<sup>1</sup> language contact

<sup>2</sup> D. Crystal

<sup>3</sup> pidgin

<sup>4</sup> creole

<sup>5</sup> Upper language & lower language

<sup>6</sup> U. Weinreich

<sup>7</sup> F. Van Coetsem

<sup>8</sup> S. G. Thomason

<sup>9</sup> C. Myers-Scotton

<sup>10</sup> R. King

<sup>11</sup> D. Kastovsky

<sup>12</sup> A. Mettinger

<sup>13</sup> P. Baker

<sup>14</sup> M. Huber

<sup>15</sup> D. Kari

<sup>16</sup> D. Winford

<sup>17</sup> B. Migge

<sup>18</sup> G. Escure

<sup>19</sup> A. Schwegler

<sup>20</sup> J. C. Clements

<sup>21</sup> S. Gooden

«برخورد زبان‌ها» درخور توجه‌اند (هیکی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۲). همچنین می‌توان به آدامو<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) اشاره کرد که با دیدگاهی پیکره‌بنیاد به پدیده برخورد زبانی نگریده و زبان‌های در معرض خطر را مقایسه نموده است. ترادگیل<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۱: ۵) در دست‌نامه زبان‌شناسی اجتماعی که برای آکسفورد نگاشته‌اند، به بررسی نتایج برخورد زبانی از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته و نتایج برخورد زبان را ناشی از نیروهای اجتماعی و وابسته به ساختار زبان‌ها می‌دانند. از نظر آن‌ها، از میان چهار حوزه عمده زبان‌شناسی، حوزه‌های «آوایی/واجی» و «واژگانی» دو گذرگاه اصلی در برخورد زبان‌ها به شمار می‌روند که تغییرات زبانی از این دو دروازه و با رواج «وام‌گیری»<sup>۴</sup> آغاز می‌گردند.

### ۳-۱. روش‌شناسی پژوهش

گویش‌سنجی با فاصله گرفتن از گویش‌شناسی، نقطه تمایزدهنده‌ای را با سایر روش‌ها ایجاد کرده است. گویش‌سنجی به معنای بهره‌گیری پژوهش از امکانات آماری و رایانشی و نتیجه‌گیری بر اساس تحلیل انبوهی دادگان است. همین گزاره به معنای عدم سوگیری و دخالت پژوهشگر در نتایج دادگان می‌باشد. داده‌های اصلی پژوهش حاضر از سنائی (۱۳۹۵) و نجفیان و همکاران (۱۳۹۶) استخراج شده‌اند. بر اساس نوآوری‌هایی که در بخش ۲ به آن‌ها اشاره شد، این دادگان با تفصیل و تمرکز بر یک زبان گونه خاص در ناحیه شمالی ایلام، زبان گونه «خزلی»، تحلیل می‌شوند. با این حال، ضروری است که اشاره‌ای به روش‌شناسی و شیوه‌های گردآوری آن پژوهش‌ها داشته باشیم.

نمونه آماری، شامل تمامی روستاهای بیش از ۱۰۰ خانوار حوزه پژوهش (با توجه به آمار سال ۱۳۹۰) است. از این رو برای گردآوری داده‌ها و تعیین روستاها، علاوه بر معیار جمعیت بالای ۱۰۰ خانوار، معیارهایی چون همانندی گویشی، بعد مسافت و گویش‌های منحصر به فرد مدنظر قرار گرفت. همچنین برای تعیین دقیق روستاها و اطلاع از میزان درک و تفاهم متقابل گویشوران روستاهای مجاور هم، از نتایج پرسش‌های شماره (۸) و (۹) بخش (الف) پرسشنامه طرح ملی اطلس زبانی (پرمون، ۱۳۸۵: ۱-۷۳) استفاده شد. این دو پرسش در ادامه آمده‌اند:

- آیا روستاهای دیگر نیز به گویش شما سخن می‌گویند؟

- آیا روستاهای همسایه به گویش‌های دیگر سخن می‌گویند؟

<sup>۱</sup> R. Hickey

<sup>۲</sup> E. Adamou

<sup>۳</sup> P. Trudgill

<sup>۴</sup> borrowing

دهستان «کارزان» به عنوان مرکز اصلی جمعیت گویشی زبان گونه «خزلی» شامل مجموع نه روستای «سراب کارزان، قنات آباد، چشمه خزان، چشمه پهن و چشمه رشید، میرزابیگی، کله جوب، کلی کلی و چشمه چاهی وسطی» است. با توجه معیارهایی که پیش تر بدان‌ها اشاره شد، و همچنین طرح پرسش‌هایی که تشابه گویش‌های همجوار را نمایان می‌سازد، دو روستای «سراب کارزان» و «کلی کلی» به عنوان روستاهای هدف برگزیده شدند و از سه گویشور مصاحبه به عمل آمد. نکته مهم آن است که ساکنین روستای سراب کارزان، دارای دو گونه زبانی متمایز از هم است و از همین رو در آن روستا، دو نمونه گویشی از آن دو زبانگونه، تهیه شد. علاوه بر این، برای آشکارساختن دقیق تر ویژگی‌های ساخت‌واژی، آوایی و دستوری زبان گونه خزلی، علاوه بر مصاحبه‌های صورت گرفته، از شم زبانی نگارنده‌گان نیز استفاده شد.

تمامی داده‌های گویشی از راه پرسشنامه طرح ملی اطلس زبانی (فرهنگ‌ساز)، و به روش مصاحبه در محل به دست آمد. پرسشنامه مذکور به شرح ذیل تعدیل شده است: بخش واژگان پرسشنامه مذکور شامل ۱۰۵ واژه است و بخش جملات شامل ۳۶ جمله است که بنا به محدودیت‌ها، تنها به سه جمله اکتفا شده و شامل جمله شماره (۱) از فایل پرسشنامه یعنی جمله «من تو را دیدم»، گزاره‌های مستخرج از جمله شماره (۱۰) «دارد کار می‌کند» و جمله شماره (۲۹) «در خانه بودم» می‌باشد. از سوی دیگر، برای آن که نرم‌افزار گویش‌سنجی بتواند بر پایه انبوهه دادگان، نتایج بهتر و دقیق‌تری به دست دهد، یکی از نگارنده‌گان با بهره از شم زبان مادری خویش و نیز موارد مشابه در واژگان، مواردی از مجموع ۳۵ جمله دیگر پرسشنامه، که می‌توانست به بازنمایی گویشی مناطق بیانجامد، استخراج کرد: سه قید «دیروز»، «هنوز»، «خیلی»، دو حرف اضافه «در»، «با» و هشت فعل «خورده‌ام»، «نمی‌آیم»، «می‌خواهم»، «نیامد»، «نمی‌بینم»، «رسیدی»، «می‌روم»، «می‌آیم» و یک ضمیر «خودش». مجموعاً ۱۱۷ واژه و عبارت و سه جمله ساده از پرسشنامه استخراج شدند (پیوست (۱)).

ابزار پژوهش نرم‌افزار گویش‌سنجی RuG/ L04<sup>۱</sup> است که امکانات آماری و تحلیلی متنوعی بر پایه تحلیل انبوهه دادگان، در اختیار کاربر قرار می‌دهد. از مهم‌ترین نمودارها و سنجه‌های این نرم‌افزار می‌توان به مقیاس‌گذاری چندبعدی<sup>۲</sup> و نمودار خوشه‌ای<sup>۳</sup> اشاره کرد؛ تکنیک مقیاس‌گذاری چندبعدی، یک روش ریاضی برای تعیین موقعیت اشیا (در این جا زبان یا گویش) در دو یا چند محور (بعد) در فضای هندسی است (اسنوک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۲۰۲) و ابعاد آن را «فاصله جغرافیایی» و «فاصله زبانی» تشکیل می‌دهند (شکل ۱). این تکنیک، به لحاظ آماری پایایی بالایی دارد و در آن زبان‌گونه‌های بسیار شبیه، نزدیک به یکدیگر و زبان‌گونه‌های بسیار متفاوت، دور از یکدیگر واقع می‌شوند (کروسکال و ویش، ۱۹۸۴ به نقل از ملایی‌پاشایی، ۱۳۹۲). آلفای کرونباخ

۱ نسخه آنلاین این نرم افزار: [www.gabmap.nl](http://www.gabmap.nl)

<sup>۲</sup> Multidimensional Scaling (MDS)

<sup>۳</sup> Dendrogram

<sup>۴</sup> C. Snoek

در این پژوهش، ۰,۹۶ به دست آمده که نشان از روایی دادگان دارد (برای جزئیات بیشتر دربارهٔ نرم‌افزار گویشی ر.ک. ملایی‌پاشایی (۱۳۹۲)، سنائی (۱۳۹۵)، نجفیان و همکاران (۱۳۹۶))

#### ۴. تحلیل داده‌ها

تحلیل نتایج و ارائه یافته‌ها را می‌توان به ۲ بخش تقسیم کرد. نخست داده‌های پژوهش‌های پیشین دربارهٔ توصیف ویژگی‌های صرفی، آوایی و نحوی زبان گونهٔ «خزلی» و نمودارهای مستخرج از پژوهش سنائی (۱۳۹۵) را ارائه می‌دهیم. این نمودارها اطلاعات درخور توجهی از فاصله زبانی زبان گونهٔ «خزلی» نسبت به زبان گونه‌های مجاور به دست می‌دهد. سپس به استناد این نتایج و تحلیل انبوههٔ دادگان کوشش می‌شود برای پرسش‌های مطرح‌شده در بخش پیشین مقاله در باب امکان گرایش زبانی زبان گونهٔ خزلی به زبان گونه‌ای خاص در منطقه و یافتن احتمالی خاستگاه این زبان گونه پاسخی مناسب بیابیم.



شکل (۱) نمودار مقیاس‌گذاری چند بعدی از روستاهای شمال استان ایلام

همانگونه که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، ۳۶ روستای شمال استان ایلام، بر اساس تکنیک مقیاس‌گذاری چندبعدی به نمایش درآمده‌اند. همانگونه که قبلاً هم بیان شد، این نمودار دو بعدی است و ابعاد آن را «فاصلهٔ جغرافیایی» و «فاصلهٔ زبانی» تشکیل می‌دهند. با مقایسهٔ شکل (۱) و شکل (۲)، سه گروه گویشی در ناحیهٔ شمالی استان ایلام نمایان شده‌اند. مروری مختصر از این سه گروه گویشی چشم‌اندازی کلی ارائه می‌دهد.

**گروه گویشی نخست**، دو روستای «حسن‌گاودری» و «شیراوند» را شامل می‌شود که در نمودار مقیاس‌گذاری شکل (۱) در بخش فوقانی نمودار و در درخت‌نگار شکل (۲) با نام «گروه گویشی (۱)» مشخص

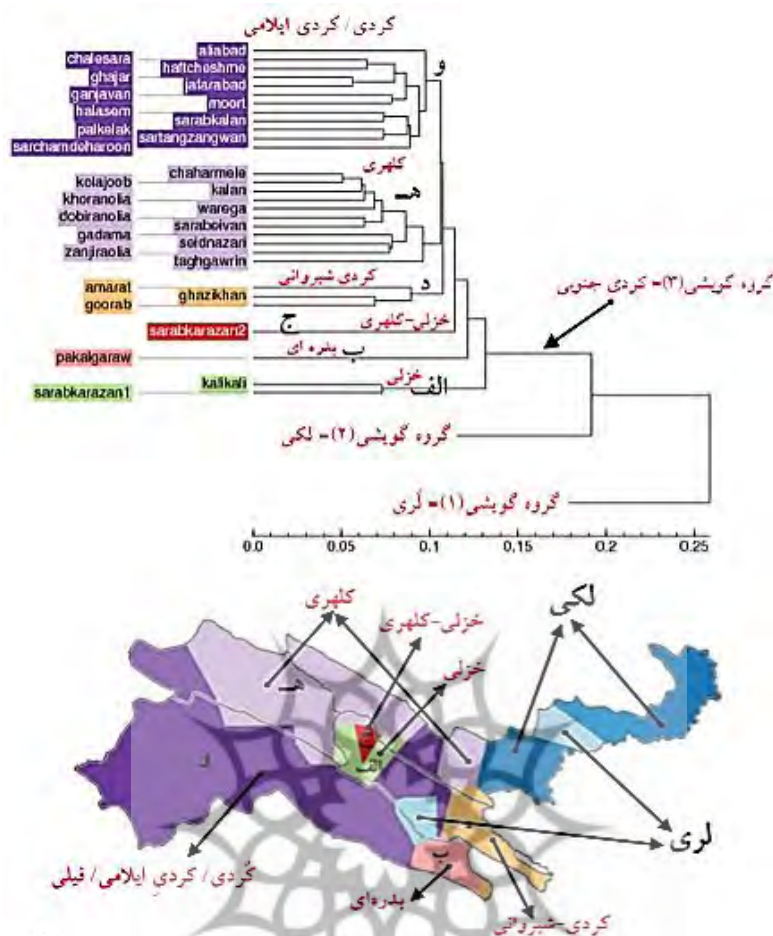


شده‌اند. گویشوران این دو روستا، نام «لری» را برای اشاره به زبان گونه خویش به کار برده‌اند. یکی از فرایندهای آوایی رایج در این منطقه گویشی ابدال همخوان سایشی ملازی /x/ به همخوان سایشی چاکنایی بی‌واک /h/ است مانند معادل واژه «خانه» /honæ/، همچنین تلفظ ضمائر «اینجا» /iʃə/، و «خودش» /xɔʃ/ نیز نشانگر گویشی هستند. گروه گویشی دوم که در نمودار مقیاس‌گذاری شکل (۱) در قسمت پایین و سمت راست و در درخت‌نگار شکل (۲) تحت عنوان «گروه گویشی (۲)» آشکار شده، شامل چهار روستای «زیرتنگ بیجنوند»، «زیرخاکی»، «پیازآباد» و «پله‌کبود» است.<sup>۱</sup> گویشوران این چهار روستا، گونه زبانی خود را «لکی» می‌نامند. کاربرد ضمیر شخصی /wəʒi/ برای معادل ضمیر «خودش» و نیز برجستگی کاربرد ویژگی «نیمه ارگتیو»/ جابجایی ضمیر متصل، از مهم‌ترین تمایزات این منطقه گویشی با سایر مناطق است. گروه گویشی سوم، مجموعه ۳۲ روستای دیگر است که در بخش پایین، سمت چپ نمودار مشخص شده‌اند. بیش‌تر گویشوران این گروه گویشی، نام عمومی «کردی» را برای نامیدن گونه زبانی خود به کار برده و گاه مشاهده شد که پس از ذکر نام «کردی»، نام زبان گونه و یا لهجه خود را نیز بیان کرده‌اند، مانند «کردی شیروانی»؛ در واقع نام‌گذاری گروه‌ها و زیرگروه‌ها بر اساس شم زبانی گویشوران انجام شده است.

برای تحلیل دقیق‌تر رابطه گروه‌ها، نرم‌افزار گویشی با تحلیل انبوهه مجموع ۱۱۷ واژه و سه جمله، درخت‌نگار و نقشه خوشه‌ای متناظر آن را از روستاهای شمال ایلام به صورت شکل (۲) به دست می‌دهد. این دو نمودار بر پایه میانگین تفاوت‌های تلفظی ۱۱۷ واژه پرسشنامه رسم شده است. در این نمودار نیز همانند روش مقیاس‌گذاری چند بعدی، سه گروه گویشی عمده نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. لازم به یادآوری است که با توجه به روش‌شناسی پژوهش و تشابه زبانی، صرفاً از چهار روستای این دوبخش، نمونه گویشی تهیه شد. بخش هلیلان که اکنون به شهرستان تبدیل شده است دارای دو بخش و ۷۲ روستا است.



شکل (۲) درخت‌نگار و نقشه خوشه‌ای زبان‌گونه‌های ناحیه شمالی استان ایلام

در این جا بر زبان گونه «خزلی» تمرکز می‌کنیم و به ابعاد فاصله زبانی و شباهت آن به زبان گونه‌های مجاور پرداخته می‌شود. پایه اطلاعات درخت‌نگار خوشه‌ای شکل (۲)، گروه گویشی سوم (۳ / کردی جنوبی) که بیش‌ترین تعداد سایت‌ها را در خود جای داده است، شامل شش زیرگروه به نام خزلی، بدره‌ای، خزلی-کلهری، کردی شیروانی، کلهری و کردی ایلامی که به ترتیب فاصله زبانی در درخت‌نگار پدیدار گشته‌اند. شاخص فاصله زبانی این زیرگروه‌ها بسیار اندک و بین ۰/۰۹ تا ۰/۱۳ است. به عبارت دیگر اگر تفاوت زبانی بین گروه‌های سه‌گانه لری، کردی و لکی مندرج در نمودار (۲) و (۳) را از نوع «گویشی» بدانیم، این زیرگروه‌ها به عنوان لهجه‌های گروه گویشی سوم (۳ / کردی جنوبی) بازشناخته خواهند شد. در این بین زیرگروه گویشی «خزلی» نخستین زیرگروه است که نرم‌افزار، آن را با فاصله زبانی اندک از سایرین بازشناخته است.

<sup>۱</sup> برای جزئیات فاصله زبانی گروه‌های گویشی به سنائی (۱۳۹۵) و نجفیان و همکاران (۱۳۹۶) رجوع کنید.

#### ۴-۱. زبان گونه خِزلی

مواد زبانی و وجوه تمایزی که در مطالب فوق برای زبان گونه‌های شمال ایلام ارائه شد، نمایی کلی از وضعیت زبانی شمال ایلام به دست می‌دهد. با این وجود، برای پی‌بردن به ویژگی‌ها و خصایص زبانی زبان گونه‌های خاص، از جمله زبان گونه «خِزلی» می‌بایست به مواد زبانی فزون‌تری اشاره کرد. دو روستا واقع در بخش مرکزی شهرستان سیروان، شامل سایت‌های سراب‌کارزان ۱ و کلی‌کلی، با فاصله زبانی حدود (۰,۶) در کنار هم یک زیرگروه فرعی را تشکیل می‌دهند. شکل (۱) نمودار مقیاس‌گذاری چندبعدی روستاهای حوزه پژوهش است که در آن دو روستای یادشده در پایین نمودار به وضوح در یک فاصله زبانی معنادار نسبت به سایر روستاها واقع در گروه گویشی (۳) (کردی جنوبی) قرار دارند. این زیرگروه، که با نام «خِزلی» از سوی گویشوران مورد مصاحبه معرفی شد، در بخش کارزان و بخش‌هایی از شهرستان چرداول (سرابله)<sup>۱</sup> تکلم می‌شود. چنانچه از شکل (۲) و (۳) برمی‌آید، گونه زبانی خِزلی در گروه عمده گویشی (۳) و آن هم در ردیف نخستین عضو آن قرار دارد. این مطلب از آن‌جا اهمیت می‌یابد که برخی معادل‌های واژگانی و نیز برخی ضمایر به کار رفته در این گونه زبانی، آشکار به گروه گویشی (۲) (=لکی) شباهت دارند. بر اساس تحلیل انبوهه دادگان، این گونه زبانی، نه در منطقه (۲) (=لکی)، بلکه در منطقه گویشی (۳) (=کردی جنوبی) قرار می‌گیرد. به عبارتی در این‌جا می‌توان یک جابجایی و تغییر تاریخی را در این گونه زبانی و انتقال از یک گروه عمده به گروه دیگر ردیابی کرد و به نوعی از «برخورد زبانی» قائل شد. در ادامه به برخی از شاخص‌ترین ویژگی‌های صرفی / واژگانی و آوایی زبان گونه «خِزلی» پرداخته می‌شود.

دستگاه واکه‌ای زبان گونه خِزلی مستخرج از پژوهش سنائی (۱۳۹۵) (با اندکی تعدیل) در شکل (۳) ارائه شده است.



شکل ۳. دستگاه واکه‌ای زبان گونه «خِزلی»

<sup>۱</sup> در این‌جا صرفاً گویشوران «خِزلی» ساکن در ایلام مدنظر بوده و این زبان گونه در استان کرمانشاه، همدان و حتی آذربایجان غربی نیز گویشور دارد.

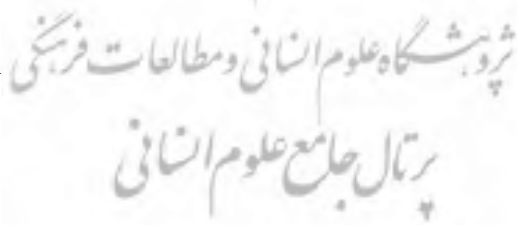
توضیح آن که شکل (۳) که از منبع یادشده اخذ شد، شامل نه واکه بود و دستگاه واکه‌ای زبان گونه‌های شمال ایلام را نشان می‌داد. اما در این جا با توجه به تمرکز بر ویژگی‌های زبانی زبان گونه خِزلی، واکه گرد /Ø/ (که مختص زبان گونه لکی است) حذف شده و دستگاه، برای زبان گونه «خِزلی» اختصاصی شده است (برای توضیح بیشتر تر پیرامون این واکه گرد ر.ک: سنائی، ۱۳۹۵: ۶۹). در ادامه، جدول (۱) همخوان‌های زبان گونه خِزلی را نشان می‌دهد.

جدول ۱.

همخوان‌های زبان گونه «خِزلی»

محل تولید <sup>۱</sup>	دوبلی <sup>۲</sup>	لبی-دندانی <sup>۳</sup>	دندانی <sup>۴</sup>	لثوی <sup>۵</sup>	لثوی-کامی <sup>۶</sup>	کامی <sup>۷</sup>	نرم‌کامی <sup>۸</sup>	ملازی <sup>۹</sup>	چاکانی <sup>۱۱</sup>
شیوه تولید <sup>۲</sup>	p b		t d					q	?
انسدادی <sup>۱۲</sup>				n			ŋ		
خیشومی <sup>۱۳</sup>	m							x	h
سایشی <sup>۱۴</sup>		f		ʃ ʒ					
لرزشی <sup>۱۵</sup>				ʀ					
زنشی <sup>۱۶</sup>				r					
انسایشی <sup>۱۷</sup>				ɟʝ					
ناسوده کناری <sup>۱۸</sup>				l			ɫ		
ناسوده (غلت)	w					j			

- 1 place of articulation
- 2 manner of articulation
- 3 bilabial
- 4 labio- dental
- 5 dental
- 6 alveolar
- 7 alveo-palatal
- 8 palatal
- 9 soft palate
- 10 velar
- 11 glottal stop
- 12 stop
- 13 nasal
- 14 fricative
- 15 trill
- 16 tap(flap)
- 17 affricative
- 18 lateral approximate



۴-۲. شاخص‌ترین ویژگی‌های آوایی، صرفی، نحوی زبان گونه خِزلی

۴-۲-۱. شاخصه‌های آوایی

گویشور «خِزلی»، همانند گویشوران «لک» در شمال شرق استان، معادل قید «انتها/عقب» را به صورت /dəma/ و معادل «میش» را به صورت /mɪ/ تلفظ می‌کند. این در حالی است که گویشوران زبان گونه‌های مجاور، برای آن دو معادل، صورت‌های /dyma/ و /mjæ/ را به کار می‌برند (توضیحات بیش‌تر ر.ک: سنائی، ۱۳۹۵).

جدول ۲.

شاخص‌ترین ویژگی‌های آوایی در زبان گونه خِزلی

معنی فارسی	تلفظ در زبان گونه خِزلی	تلفظ در زبان گونه لکی	تلفظ در زبان گونه‌های مجاور
انتها/عقب	dəma	doma	dyma
گوسفند	mɪ	mɪ	mjæ
کوه	kwɪ	kwɪ	kvæ
گردنه	mələ	mələ	məljæ
مزرعه دیم	xələ	xələ	xəljæ

۴-۲-۲. شاخصه‌های صرفی/واژگانی: معادل تلفظی /ʔaɪ/ برای «بچه»، کاربرد ضمیر /wəʔəm/ برای

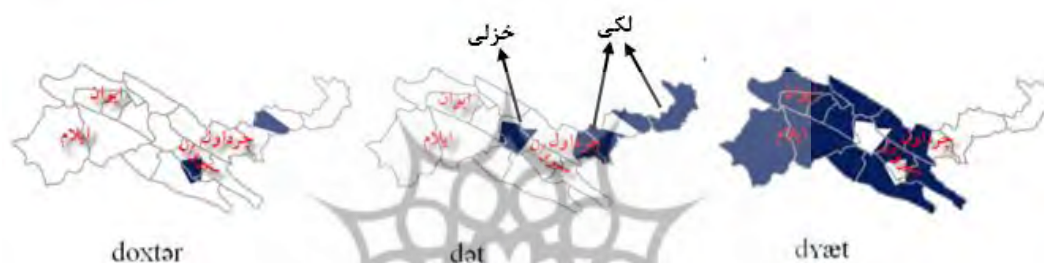
معادل «خودم» و همچنین استفاده از پیشوند /-mæ/ در صرف افعال استمراری از جمله شاخص‌ترین زبان گونه خِزلی با سایر گونه‌های زبانی رایج در شمال ایلام است. شکل (۴) پراکندگی تلفظی سه صورت اصلی معادل واژه «بچه» در شمال ایلام را نشان می‌دهد.



شکل ۴. توزیع تلفظ واژه «بچه»

بر اساس (شکل ۴) به طور کلی می‌توان چنین برداشت کرد که گویشوران مناطق شمال شرقی استان برای معادل واژه «بچه» (فرزند) معادل «ʔaɪ»، گویشوران مناطق شمال و شمال غربی حوزه پژوهش واژه «mənɑ»

و گویشوران مناطق جنوبی و جنوب غربی حوزه پژوهش معادل «Zɑfʊ» را به کار می‌برند. اگر پراکنش معادل «ɑil?» را بنگریم، خواهیم دید که در میانه حوزه جغرافیایی پژوهش، و به طور دقیق در روستاهای «سراب کارزان» و «کلی‌کلی»، ردی از این واژه دیده می‌شود. این در حالی است که زبان‌گونه مردمان این دو روستا (سراب کارزان ۱ و کلی‌کلی) و به طور کل مردم دهستان کارزان، علاوه بر برخی همسانی‌های عموماً واژگانی، برخی تشابهات صرفی نیز در ضمائر با گویش «لکی» (مناطق شمال شرق استان) دارد. معادل واژگان «بچه» و «دختر» و معادل ضمائر «خودش» و «خودم» و نیز به کارگیری نشانه استمرار «mæ=مه» در صرف افعال استمراری، دلایلی بر اثبات این همانندی به شمار می‌روند و این خود نشانه‌هایی زبان‌شناختی به دست می‌دهد تا قرابت و ریشه‌یابی گونه‌های زبانی بخش کارزان را به سهولت بیش‌تری ردیابی کرد. شکل (۵) نشان‌دهنده همانندی زبان‌گونه «لکی» با زبان‌گونه «خزلی» در تلفظ واژه معادل «دختر» است.



شکل ۵. توزیع جغرافیایی تلفظ معادل واژه «دختر»

در مقوله ضمائر دستوری نیز شاهد ناهمانندی زبان‌گونه خزلی با زبان‌گونه‌ای مجاور در شمال ایلام هستیم. برای نمونه می‌توان به ضمیر سوم شخص مفرد و ضمیر دوم شخص جمع در زبان‌گونه روستاهای بخش کارزان و آسمان‌آباد اشاره کرد که گویشوران آن‌ها خود را منتسب به «ایل خزل» می‌دانند. معادل ضمیر سوم شخص جمع در سایت‌های مزبور، /wei/ و /ʔəwei/ است و همچنین سایت‌های بخش کارزان برای معادل دوم شخص جمع، ضمیر /həmæ/ را به کار می‌برند. ضمیر دوم شخص جمع /həmæ/ در مناطق شمال شرقی استان کاربرد دارد که «لکی» به عنوان گونه غالب زبانی رایج است.

### جدول ۳.

برخی از شاخص‌ترین ویژگی‌های صرفی زبان‌گونه خزلی در مقایسه با زبان‌گونه‌های مجاور و «لکی»

معنی فارسی	تلفظ در زبان‌گونه خزلی	تلفظ در زبان‌گونه لکی	تلفظ در زبان‌گونه‌های مجاور
بچه	?ɑil	?ɑil	Zɑrʊ/mənɑt
خودم	wəzəm	vəzəm	xwæm
شما	h(ə)æmæ	h(ə)omæ	?yæ

معنی فارسی	تلفظ در زبان گونه خِزلی	تلفظ در زبان گونه لکی	تلفظ در زبان گونه‌های مجاور
دختر	dət	dət	dyæt
می‌بینم	mevnəm	mevnəm	dvnəm

#### ۴-۲-۳. شاخصه‌های نحوی

ساخت نحوی زبان گونه خِزلی با زبان گونه‌های کردی مجاور مشابه است و از تطابق فعل با فاعل برخوردار است. در این زبان گونه برخلاف زبان گونه لکی، جابجایی ضمیر پیوسته (ساخت نیمه کنایی) دیده نمی‌شود. توضیح آن که جمله «من تو را دیدم» در کار گردآوری دادگان زبانی شمال ایلام از تمامی مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد و بر اساس معادلی که برای آن بیان شده، می‌توان مناطق زبانی را از هم تفکیک کرد. به طور کلی بر اساس نتایجی که به دست آمد، دو معادل عمده برای این جمله از مصاحبه‌شوندگان شنیده و ضبط شده است؛ معادل (۱) و معادل (۲).

جدول ۴.

۲ معادل رایج برای جمله «من تو را دیدم» در مناطق شمالی ایلام

معادل (۱)	mə	tə	di-m
	۱.ش.م.فاعل	۲.ش.م.مفعول	ضمیر (۱.ش.م.)-ستاک
	من	تو[را]	دیدم
معادل (۲)	mə	to(n)-(ə)m	di
	۱.ش.م.فاعل	۱.ش.م.واژه بست-۲.ش.م.مفعول	ضمیر (۱.ش.م.)-ستاک

در معادل (۱) فعل (=دیدم) با فاعل (=من) به لحاظ شخص و شمار تطابق دارد؛ این نظام/ الگو را «فاعلی-مفعولی»<sup>۱</sup> می‌نامند و پسوند فعلی نشانگر مطابقت فاعلی است. معادل تلفظی (۲) را برخی بر اساس الگوی کنایی (ارگتیو) و برخی دیگر بر اساس الگوی مطابقت و برخی دیگر از پژوهشگران، در قالب ضمیر پیوسته بررسی کرده‌اند. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۸۹۵-۹۰۷) ضمن این که لکی را «زبان» می‌داند به تفصیل، این ساخت را در قالب نظام مطابقت در لکی واکاوی کرده است. تفکری رضائی و امید (۱۳۹۳) استدلال می‌کنند که پسوندهایی که به مفعول پیوند خورده‌اند، نه نشانه‌ای از ساختار ارگتیو<sup>۲</sup> هستند و نه نشانه مطابقت فاعلی بلکه در میانه راه تحول تاریخی-زبانی، «ضمیر» به شمار رفته و پسوندهای شمار و شخص قلمداد می‌شوند<sup>۳</sup>. با عنایت به مطالب بیان شده و با استناد به

<sup>۱</sup> Nominative/Accusative

<sup>۲</sup> Ergative

<sup>۳</sup> برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به دبیرمقدم (۱۳۹۲)

داده‌های پژوهش سنائی (۱۳۹۵) یکی از شاخصه‌های نحوی رایج در میان گونه‌های زبانی رایج در شمال استان ایلام به همین تنوع برمی‌گردد، به گونه‌ای که گویشوران مناطق غربی و مرکزی شمال ایلام از الگوی فاعلی-مفعولی و گویشوران مناطق شمال شرق استان از الگوی ضمیر پیوسته در ساختار زبانی خود بهره می‌برند (شکل ۶) در این بین زبان گونه «خزلی» برخلاف تشابهاتی که در حوزه آوایی و واژگانی با زبان گونه «لکی» دارد در ساختار نحوی و تطابق فعل با فاعل در زمان گذشته، مشابه زبان گونه‌های مجاور خود بوده و از لکی متمایز است. شکل (۶) توزیع جغرافیایی تنوع نحوی فوق را نشان می‌دهد.



شکل (۶). توزیع جغرافیایی الگوی نحوی فاعلی-مفعولی / ضمیر پیوسته (منطقه تیره رنگ، شامل ضمیر پیوسته و مناطق سفید رنگ الگوی فاعلی-مفعولی)

## ۵. نتیجه‌گیری

مجموعه‌ای از مواد زبانی شامل ناهمانندی‌ها و تشابهات زبان گونه‌های شمال ایلام در این نوشتار ارائه شد. در این بین، جنبه‌های گوناگونی از زبان گونه خزلی واکاوی شد و علاوه بر آن‌ها، با بهره از ابزارهای نوین گویش‌سنجی نیز فاصله این زبان گونه با گونه‌های زبانی رایج در حوزه پژوهش به دست آمد. در ادامه بر بنیان دادگان زبانی بخش‌های پیشین این نوشتار، تلاش می‌شود که پاسخ‌هایی مناسب و راه‌گشا به پرسش‌های پژوهش داده شود:

۱. شاخص‌ترین ویژگی‌ها و تنوعات آوایی، صرفی و نحوی عمده در زبان گونه خزلی کدامند؟

**ویژگی‌های آوایی:** زبان گونه خزلی دارای چند ویژگی آوایی برجسته نسبت به سایر زبان گونه‌های رایج در مجاور خود است؛ نخستین شاخصه در تناوب‌های /ə/~/ɪ/ و همچنین /jæ/~/ɪ/ آشکار می‌شود. معادل قید «انتها/عقب» (dəma~/dyɪma)، معادل واژه «میش» (mɪ~/mjæ)، معادل «گردنه» (mələ~/məljæ)، معادل «مزرعه» (xələ~/xəljæ)، همچنین معادل «کوه» (kwɪ~/kyæ) می‌توانند به عنوان نمونه‌هایی پربسامد از تناوب‌ها به شمار روند.



ویژگی‌های صرفی / واژگانی: معادل تلفظی /aɪl/ برای «بچه»، کاربرد ضمیر /wəʒəm/ برای معادل «خودم» و همچنین استفاده از پیشوند /-mæ/ در صرف افعال استمراری از جمله برجسته‌ترین شاخصه‌های زبان گونه خِزلی با سایر گونه‌های زبانی رایج در شمال ایلام است. معادل تلفظی ضمیر سوم شخص جمع در روستاهای بخش کارزان، /wei/، /əwei/ است. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌ها که آشکارا گوینده را منتسب به زبان گونه خِزلی می‌کند، معادل ضمیر دوم شخص جمع «شما» است که به صورت /həmæ/ تلفظ می‌شود. از سوی دیگر، ضمیر دوم شخص جمع /həmæ/ به همین صورت در مناطق شمال شرقی استان کاربرد دارد که «لکی» به عنوان گونه غالب زبانی رایج است.

ویژگی‌های نحوی: زبان گونه خِزلی در ترتیب و یا ترکیب ساخت جملات، با زبان گونه‌های مجاور خود، تفاوتی آشکار و یا برجسته ندارد؛ البته منظور زبان گونه‌هایی است که بر اساس پژوهش سنائی (۱۳۹۵) به همراه زبان گونه خِزلی مجموعاً یک گروه گویشی را تشکیل می‌دهند (گروه گویشی کردی جنوبی). اما زبان گونه لکی واقع در شمال شرق استان، یک ویژگی متمایز و برجسته نحوی با سایر زبان گونه‌های حوزه پژوهش دارد و آن هم برخورداری از جابجایی ضمیر پیوسته (یا ساختار نیمه‌کنایی) است. این ساختار در زبان گونه خِزلی وجود ندارد و در واقع اگر به این امر قائل باشیم که این ساختار، دیرزمانی در زبان گونه خِزلی موجود بوده، اکنون دیگر آن ساختار از بین رفته است.

۲. با توجه به نتایج تحلیل انبوهه دادگان، در حال حاضر زبان گونه خِزلی در کدام گروه/ منطقه گویشی شمال ایلام قرار می‌گیرد؟

در بخش‌های پیشین اشاره شد که تقسیم‌بندی‌های زبانی و کاربرد اصطلاحات از سوی زبان‌شناسان ایلامی و یا پژوهشگران زبان کردی مرزبندی دقیقی ندارد و از دقت نظر کافی برخوردار نیست. برای نمونه، پالیزبان (۱۳۸۰) و علی‌بیگی (۱۳۹۴) هر دو از اصطلاح «کردی ایلامی» استفاده می‌کنند اما زبان گونه‌ای که آن دو به آن اشاره دارند، یکی نیست. از سوی دیگر اگر بخواهیم تمامی زبان گونه‌های موجود در یک ناحیه جغرافیایی خاص مانند شمال ایلام را همگی تحت عنوان «گویش» تلقی کنیم، آن‌گاه بر پژوهشگر روشن نمی‌شود که چه مقدار از ناهمانندی‌های زبانی سبب می‌شود یک گونه زبانی را گویش و یا لهجه خطاب کنیم. یعنی این پرسش مطرح می‌شود که تفاوت دو زبان گونه در مجموعه تلفظ و واژگان بایستی تا چه حد باشد. در هر حال از تمایزات این نوشتار، بهره‌گیری از نرم‌افزار گویش‌سنجی است که تا حدودی می‌تواند یک میزان و معیار برای تقسیم‌بندی گویشی و زبان گونه‌ها باشد. بر این اساس، و با استناد به نتایج پژوهش سنائی (۱۳۹۶)، زبان گونه خِزلی نمی‌تواند یک گویش منحصر به فرد برشمرده شود و در واقع بر مبنای اشتراکات آوایی و واژگانی و نحوی معنادار به همراه زبان گونه‌های مجاور خود، همگی یک گروه گویشی تشکیل می‌دهند. با این حال، با فاصله‌های زبانی اندک،

می‌توان زبان گونه‌های «ایلامی، کلهری، خِزلی، بدرهای، کردی شیروانی و...» را در شمال استان ایلام از هم تمایز داد. در حقیقت بر اساس داده‌های تحلیل شده این پژوهش، این زبان گونه‌ها گویش‌هایی مستقل به شمار نمی‌روند بلکه زبان گونه‌هایی از گروه گویشی کردی جنوبی محسوب می‌شوند. از این رو، «خِزلی» را می‌توان یک زبان گونه از این گروه گویشی کردی دانست.

۳. آیا در حال حاضر شواهدی زبانی دال بر گرایش زبان گونه خِزلی، به سمت منطقه/ گروه گویشی خاصی وجود دارد؟

به دنبال مطالبی که در بخش‌های پیشین مطرح شد، ساکنین بخش آسمان‌آباد از توابع شهرستان چرداول و همچنین روستاهای زنجیره‌علیا و سفلی از بخش مرکزی شهرستان، به لحاظ نژادی و قومی، منتسب به «ایل خزل» هستند. با این وجود، بر اساس نمونه‌های گویشی که از روستاهای هدف تهیه شده است، زبان گونه‌ای که در آن نواحی رواج دارد، تفاوت‌های آشکاری با زبان گونه مشهور به «خِزلی» دارند. در درخت‌نگار و نقشه خوشه‌ای شکل (۲)، روستاهای مزبور، در زیرگروه (ه) با نام «کلهری» جای گرفته‌اند. همچنین در پژوهش سنائی (۱۳۹۵) از یک روستای دوزبانه نمونه گویشی تهیه شده (روستای سراب‌کارزان) و به یک روستای دیگر نیز که ساکنانش همزمان از دو زبان گونه استفاده می‌کنند (روستای قنات‌آباد) اشاره شده است. این دو روستای دوزبان گونه‌ای، همانند نمونه‌های پیشین، در عین حالی که منتسب به ساختار جمعیتی ایل خزل هستند، اما گونه زبانی آن‌ها تغییر یافته است. از این رو می‌توان اظهار داشت که زبان گونه‌ای که در افواه مردم به «خِزلی» شهرت دارد، در طول زمان دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده و جمعیت کثیری از گویشوران آن، با تغییر زبانی به سمت زبان گونه‌های «کلهری» از یکسو و «کردی معیار شهر ایلام» از سوی دیگر گرایش یافته‌اند.

۴. آیا می‌توان بر اساس تحلیل انبوهه دادگان زبانی، در منطقه زبانی شمال ایلام، برای زبان گونه خِزلی منشأ و خاستگاهی یافت؟

اغلب شواهد زبانی از جمله ویژگی‌ها و تنوعات آوایی و صرفی عمده در زبان گونه خِزلی که در سطور پیشین بدان‌ها اشاره شد، نشان از قرابت زبانی این زبان گونه با «لکی» دارد و البته این مطلب بدان معنا نیست که مسیر مهاجرت فرضی گویشوران خزل را از شمال شرق استان تصور کنیم. برای یافتن منشأ و خاستگاه گونه زبانی خِزلی و حتی اطلاع از مسیر تاریخی مهاجرت مردمانش، به ۲ نکته باید توجه داشت: نخست آن که هم‌اکنون در شهرستان نهاوند استان همدان، جمعیت کثیری با نام «خزل» زندگی می‌کنند و زبان تکلم آن‌ها «لکی» است. این خود نشانه‌ای آشکار از تشابه اسمی است که می‌توان از رهگذر آن و بر مبنای پژوهش‌های قوم‌شناختی به منشأیابی زبانی نیز پرداخت. دوم آن که جهانفرد (۲۰۱۵) زبان گونه «خِزلی» را در کنار «سنجاوی» قرار می‌دهد

و اشتراکات آوایی و واژگانی و دستوری این دو را سبب این امر می‌داند. همین نکته می‌تواند نشانه‌ای به دست دهد برای آن که مسیر مهاجرت آغازین گویشوران خزل، از مسیر شمال غرب ایلام به محل سکونت کنونی بوده است. البته نتیجه‌گیری نهایی در این خصوص نیازمند انجام پژوهش‌های میان رشته‌ای تکمیلی است. زبان گونه خزلی در طول زمان دستخوش تغییراتی در حوزه‌های آوایی و واژگانی شده است. از سوی دیگر، جمعیت کثیری از مردمانی که خود را منتسب به ایل خزل می‌دانند در استان‌های کرمانشاه، همدان و ایلام ساکن هستند. لذا پیشنهاد می‌گردد بر پایه پرسشنامه‌های معتبر و بر اساس روش‌های آماری نوین، از روستاها و گویشوران این سه استان که خود را خزل معرفی می‌کنند، به طور جامع اقدام به تهیه پرسشنامه شود تا بر این اساس بتوان به نتایج متقن‌تری در خصوص منشأ و خاستگاه زبان گونه خزلی و نیز نتایجی دست یافت که از برخورد آن با دیگر زبان‌گونه‌ها و گویش‌ها حاصل شده است.

در بخش کارزان شهرستان سیروان، دو تیره جمعیتی «مرشیون» و «خیرون» منتسب به ایل خزل ساکن هستند. گویشوران این دو بافت جمعیتی، تفاوت‌هایی در برخی حوزه‌های آوایی و واژگانی با هم دارند. این مطلب جذابیت پژوهش در مورد زبان گونه‌ای فراهم می‌آورد که خود یکبار حاصل برخورد زبانی بوده است. به عبارتی، هرچند زبان گونه دو تیره مذکور، در افواه عامه، شبیه به هم تلقی می‌شود اما تمایزهایی<sup>۱</sup> بین آن‌ها پدید آمده است. پیشنهاد می‌شود با پرسشنامه‌هایی موردی و دقیق و انجام مصاحبه در حجم وسیع‌تر، شاخصه‌های این ناهمانندی زبانی به صورت روشمند مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرند.

### منابع

- بلو، جویس (۱۳۹۳). زبان کردی. *راهنمای زبان‌های ایرانی، (ج ۲): زبان‌های ایرانی نو*. ویراسته رودریگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی. تهران: ققنوس.
- پالیزبان، کرم‌اله (۱۳۸۰). *نظام آوایی گویش کردی ایلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- پالیزبان، کرم‌اله و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۹۴). بررسی معیارهای رده‌شناختی گویش کردی ایلام. فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، ۱۶ (۴۶ و ۴۷)، صص. ۴۱-۵۴
- پرمون، یدالله (۱۳۸۵). *طرح ملی اطلس زبانی ایران، کتابچه جامع تدوین اطلس*. تهران: سازمان میراث - فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- تفکری رضائی، شجاع و عباس امیدی (۱۳۹۳). پسوندهای فعلی در گویش لکی: ساخت ارگتیو، مطابقت فاعلی یا ضمیر پیوسته؟ *پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۴(۱)*، صص. ۳۷-۵۵.
- جهانفهرد، سجاد (ژیار) (۲۰۱۵). زمانی کردی و شئ‌وزاره‌کانی. *زماناسی (گوشه‌های کی مانگانه تابه‌ته به بواره‌کانی زمان)*، (۱۷)، صص. ۲۴۲-۲۷۶.

<sup>۱</sup> خزلی و آزادی (۱۳۹۷: ۵۰) به مواردی از این تمایزات اشاره کرده‌اند.

خزلی، مسلم و سکینه آزادی (۱۳۹۷). جستاری در قواعد صرفی و نحوی گویش کردی جنوبی (با بررسی موردی سه زیرگویش خزلی، لکی و کلهری). نشریه ادبیات و زبان های محلی ایران زمین، ۸ (۲) شماره پیاپی ۲۰، صص. ۳۹-۶۲. خزلی، مسلم و سکینه، آزادی (۱۳۹۶). ساختار فعل در گویش خزلی. فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، (۵۴ و ۵۵)، صص. ۱۳۳-۱۵۱.

خوشبخت، طیبه (۱۳۸۴). توصیفی زایشی از نظام آوایی کردی خزلی (دهستان کارزان ایلام): رویکردی خطی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی، ادب پژوهی، شماره ۵، صص. ۹۱-۱۲۸. دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده شناسی زبان های ایرانی. ج. ۲. تهران: سمت.

سنائی، یاسر (۱۳۹۵). بررسی تنوع گویشی نواحی شمال استان ایلام: تدوین اطلس گویشی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.

علی بیگی، محمود (۱۳۹۴). بررسی واجی و صرفی وام- واژگان گویش کردی ایلام، نجفیان آرزو پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.

مدرسی، یحیی (۱۳۹۳). درآمدی بر جامعه شناسی زبان. ج ۴. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ملایی پاشایی، سیفاله (۱۳۹۲). گویش سنجی رایانشی دامنه شمالی البرز مرکزی بر پایه الگوریتم لونشین: تدوین یک اطلس زبانشناختی. رساله دکتری زبان شناسی همگانی. تهران: دانشگاه پیام نور.

میرزابیگی، مسعود، حبیب گوهری، طیبه خوشبخت و اکبر عزیزی فر (۱۳۹۹). ترکیبی / تحلیلی بودگی مقوله های تصریفی فعل در گویش کردی خزلی، مطالعات زبان و گویش های غرب ایران. ۸ (۳۰)، صص. ۹۱-۱۰۸.

میرزابیگی، مسعود، حبیب گوهری، طیبه خوشبخت و اکبر عزیزی فر (۱۴۰۰). زمان-وجه-نمود در گویش کردی خزلی. مطالعات زبان و گویش های غرب ایران. ۹ (۲)، شماره پیاپی ۳۳، صص. ۱۰۳-۱۲۱.

نجفیان، آرزو، یاسر سنائی و سیفاله ملایی پاشایی (۱۳۹۶). گویش سنجی و نقشه نگاری رایانشی زبان گونه های شمال استان ایلام بر پایه تحلیل انبوهه داده های زبانی. پژوهش های زبان شناسی تطبیقی، (۱۴)، صص. ۱۴۵-۱۶۳.

Adamou, E. (2016). *A corpus-driven approach to language contact*. Publisher: De Gruyter Mouton.

Aliakbari, M. & E. Faraji (2014). Conceptualization of man's behavioral and physical characteristics as animal metaphors in the spoken discourse of Khezeli people. *Linguistik Online*, 59(2). <https://doi.org/10.13092/lo.59.1141>

Aliakbari, M., M. Gheitasi & E. Anonby (2014). On language, distribution in Ilam Province, Iran from <https://www.researchgate.net>, Last Updated: 17 Jul 2016

Baker, P. (2000). *Theories of creolization and the degree and nature of restructuring*. In Ingrid Neumann-Holzschuh and Edgar W. Schneider (eds.), *Degrees of Restructuring in Creole Languages*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins, pp. 41-64.

Chambers, J. K. and P. Trudgill (2004). *Dialectology*. 2<sup>nd</sup> ed. Cambridge: Cambridge University Press.

Clements, J. Clancy and S. Gooden (eds.) (2009). *Language change in contact languages: Grammatical and prosodic considerations*. Special Issue of Studies in Language. 33.2.

Crystal, D. (2008). *A dictionary of linguistics and phonetics*. 6<sup>th</sup> Ed. Blackwell Publishing.

Escure, G. and A. Schwegler (eds.) (2004). *Creoles, contact and language change: Linguistic and social implications*. Amsterdam: John Benjamins.

Hickey, R. (2010). *The handbook of language contact*. Blackwell Publishing

- Huber, M., Dako, K., & Kortmann, B. (2008). Ghanaian English: morphology and syntax. *Varieties of English: Africa, South and Southeast Asia*, 368-380.
- Kastovsky, D. and A. Mettinger (eds.) (2001). *Language contact in the history of English*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- King, R. (2000). *The lexical basis of grammatical borrowing: A prince Edward Island case study*. Amsterdam: John Benjamins.
- Myers-Scotton, C. (2002). *Contact linguistics: Bilingual encounters and grammatical outcomes*. Oxford: Oxford University Press.
- Snoek, C. (2014), *Review of gabmap: Doing dialect analysis on the web, language documentation and conversation*. Vol. 8, pp.192-208 From: <http://nflrc.hawaii.edu/ldc>
- Thomason, S. G. (2000). *Contact as a source of language change*. In Brian D. Joseph, and Richard D. Janda (eds.), *The Handbook of Historical Linguistics*.
- Trudgill, P., J. Chambers & N. Schilling-Estes (2001). *Handbook of sociolinguistics*. Oxford: Basil Blackwell,
- Van Coetsem, F. (2000). *A general and unified theory of the transmission process in language contact*. Heidelberg: Winter.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in contact: Findings and problems*. The Hague: Mouton
- Winford, D. and B. Migge (2004). *Surinamese creoles: morphology and syntax*. In Bernd Kortmann, Kate Burridge, Rajend Mesthrie, Edgar W. Schneider, and Clive Upton (eds.), *A handbook of varieties of English, vol. 2: Morphology and Syntax*. Berlin/New York: Mouton de Gruyter, pp. 482–516.

### پیوست

پدر	مادر	برادر	خواهر	پسر	دختر	عمو	خالیه	پدربدر	دختران خوب
زن	شوهر	دایاد	عروس	عمه	شبه	ماد	ستاره	پدربدر	دختران خوب
یاد	آتش	خاک	پاران	یرق	سنگ	دهان	زبان	مرد خوب	مردیان سفید
یز	بره	میش	گرگ	قاطر	مرغ	خروس	کیوتر	زن خوب	یک زن
گل	درخت	جو	یادام	خاله	هیزم	چتیر	نماز	یک مرد	خروس های سیاه
شیرین	دور	نزدیک	هزار	خون	من	او	ما	آن مرد	یا(حرف اضافه)
یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	نه	آن زن	انسان ایستن
صد	بیست	اینجا	آنجا	چوپ	کجا؟	این	ده	آن مردان	حیوان ایستن
خاله	گاؤ	ماده	درختها	شما	می ایم	آن زنان	خودش	ده مرد	یسران خوب
روز	بزرگ	آنها	ده زن	دیروز	هنوز	رسیدی	می روم	این دختر	اسب سفید
نمی ایم	می خواهم	نیامد	نمی بینم	دارد	نمی بینم	خوردام	این پسر	در(حرف اضافه)	
من تو را دیدم	دارد گاؤ می کند								